



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The Washington Post

ایران هنوز توافق را ممکن می‌داند

به گفته تحلیل‌گران و ناظران داخل و خارج ایران به‌رغم بی‌اعتمادی‌های موجود به اینکه ممکن است مذاکرات با آمریکا پیش‌زمینه‌ای برای حمله مجدد اسرائیل باشد، به نظر می‌رسد که در صحنه سیاست ایران اجماعی در حال شکل گرفتن است که مذاکرات با ایالات متحده آمریکا در خصوص برنامه هسته‌ای ایران باید از سرگرفته‌شود. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران و سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران در طول هفته‌های گذشته در مصاحبه‌های متعدد رسانه‌ای شرکت کرده‌اند و بین اسرائیل و آمریکا تمایز قائل شده‌اند و تأکید کرده‌اند که به‌رغم خصومت اسرائیل همچنان می‌توانند به توافقی مذاکره‌شده با واشنگتن برسند. پزشکیان در گفت‌وگوی هفته پیش خود با تاکر کارلسون، مجری محافظه‌کار گفت که بنیامین نتانیاهو در حال کاشتن این ایده در ذهن آمریکایی‌ها است که ایران دنبال سلاح هسته‌ای است، درحالی که ایران و آمریکا «به سادگی می‌توانند از طریق گفت‌وگو و مذاکره اختلافات‌شان را حل کنند.» سیدعباس عراقچی هم در یادداشتی برای روزنامه فایننشیل تایمز نوشت که ایران و ایالات متحده آمریکا پیش از آغاز حملات اسرائیل «در آستانه یک توفیق دیپلماتیک تاریخی قرار داشتند». حملات نظامی سنگین اسرائیل و آمریکا باعث تغییر بنیادین در مواضع علنی ایران نشده است. ایران نه اعلام کرده است که علاقه‌ای به توسعه تسلیحات هسته‌ای دارد و نه اعلام کرده است که قصد دارد برنامه هسته‌ای اش را کاملاً کنار بگذارد. ایران همچنان بر حق خود مبنی بر تولید سوخت هسته‌ای در خاک خودش تأکید می‌کند که قصدی برای ساخت تسلیحات هسته‌ای ندارد اما شاید عجیب‌ترین نکته این باشد که حملات آمریکا باعث نشده است ایران کاملاً از واشنگتن روی برگرداند. حمیدرضا عزیزی، پژوهشگر اندیشکده آلمانی موسسه امور بین‌الملل و امنیتی می‌گوید: «من انتظار داشتیم که بعد از آنچه در طول جنگ و پس از آن رخ داد، صدای واحدی از تهران در مورد رد هرگونه تعامل با آمریکا بشنویم، اما انگار دقیقاً عکس این موضوع رخ داده است. کلید این ماجرا در این است که آسیب‌پذیری‌های ایران کاملاً عیان شده است و در نتیجه تهران دنبال یک رویکرد عملگرایانه‌تر است.» علاوه بر مشکلات پس از جنگ، ایران با مشکلات بزرگ اقتصادی دست‌وپنجه نرم می‌کند. اگر اروپایی‌ها تصمیم بگیرند که مکانیسم اسنپ‌ک و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد را براساس برجام فعال کنند، آنگاه فشار بر ایران تشدید خواهد شد. دیوید لمی، وزیر خارجه بریتانیا تهدید کرده است که اگر ایران از جاه‌طلبی‌های هسته‌ای خود عقب‌نشینی نکند، ممکن است با «تحریم‌های بسیار وسیع» مواجه شود. یک مقام آگاه در دولت آمریکایی می‌گوید که به‌رغم حملات آمریکا و اسرائیل، ایران همچنان برای یک توافق در مورد برنامه هسته‌ای خود آمادگی دارد. استیونینکاف، مذاکره‌کننده ارشد آمریکا هم هفته پیش در مورد زمان از سرگیری مذاکرات گفت‌وگو: «خیلی زود، هفته آینده یا اینطورها.» مصطفی نجفی، تحلیل‌گر مستقر در تهران می‌گوید که ایران به واسطه‌ها و کشورهای همسایه اعلام کرده است که تحت تهدید «هیچ بختی برای مذاکره وجود ندارد.» به گفته این تحلیل‌گر، ایران به دنبال نوعی تضمین است که اسرائیل در میانه مذاکرات احتمالی مجدداً به ایران حمله نکند. علی اصغر شفیعیان، روزنامه‌نگار و مشاور پیشین پزشکیان می‌گوید که رئیس‌جمهور توانسته است اجماعی در مراکز قدرت ایران ایجاد کند که اکنون «فرصت طلایی» برای گفت‌وگو با آمریکا است. آیت‌الله علی خامنه‌ای، بالاترین مقام ایران هنوز در مورد دورنمای مذاکرات جدید با آمریکا اظهارنظری نکرده است. ایران بعد از جنگ قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی مشروط شده بود. شورای عالی امنیت ملی ایران، تصمیم‌گیری را در مورد اینکه آیا این شروط در همکاری با آژانس رعایت می‌شوند یا نه، بر عهده دارد. شفیعیان می‌گوید که مصوبه مجلس مانع جدی در مقابل مصالحه‌های احتمالی آینده نیست. مصطفی نجفی معتقد است که این مصوبه «حداقل واکنش به حملات به تاسیسات هسته‌ای ایران بود» و ایران می‌توانست گام‌های بسیار جدی‌تری مانند خروج از پیمان عدم اشاعه (NPT) بردارد. نجفی می‌گوید که ابلاغ این قانون پیامی در خود دارد: اینکه ایران برای دیپلماسی آماده است و نمی‌خواهد که تنش را تشدید کند. اما آمادگی دارد که در صورت تشدید فشارهای آمریکا، گام‌های بیشتری بردارد. نجفی می‌گوید: «ایران همچنان مسیر را برای دیپلماسی باز نگه داشته‌است.»

عکس: President

نگاه پژوهشگر



فرجام آتش بس: توافق یا جنگی دیگر؟

تأملی بر سناریوهای پیش‌روی ایران و غرب پس از جنگ ۱۲ روزه

چشم‌انداز رقابت ترکیه با ایران

قدرت برتر در منطقه میان دریای مدیترانه تا رود فرات باشد. این منطقه، به‌معنای واقعی کلمه، برای نسل‌ها میدان رقابت بین دو طرف بوده است.» آنکارا از دیرباز به اهداف منطقه‌ای تهران با تردید می‌نگریسته، به‌ویژه به دلیل استفاده ایران از گروه‌های نیابتی برای گسترش نفوذ خود در عراق، سوریه و فراتر از آن. این رقابت از اوایل دهه ۲۰۱۰ میلادی شدت گرفت؛ زمانی که ترکیه تحت ریاست‌جمهوری رجب طیب اردوغان شروع به پیگیری سیاست‌های منطقه‌ای بلندپرواانه‌تری کرد و به حامی اصلی قیام‌های مردمی علیه رژیم‌های خودکامه منطقه تبدیل شد. در این چارچوب، ترکیه حامی اصلی گروه‌های مسلح مخالف دولت بشار اسد - که تحت حمایت ایران بود - در سوریه شد. یکی از نقاط اوج تنش‌ها بر سر سوریه پس از سقوط خاندان اسد در اواخر دسامبر ۲۰۲۴ رخ داد. در یک انتقاد عمومی نادر از تهران، وزیر خارجه ترکیه، ایران را به حمایت از گروه‌های کردی غالب در شمال سوریه - که آنکارا آن‌ها را تهدیدی علیه امنیت ملی خود می‌داند - متهم کرد.

جنگ ایران و اسرائیل این فرصت را برای آنکارا و تهران فراهم کرد تا به‌صورت علنی رقابت دیرینه خود را کنار بگذارند، اما این آرامش ممکن است دوام نداشته باشد، چراکه شرایط جدید ایران می‌تواند فرصت را برای ترکیه مهیا سازد تا دستورکارهای منطقه‌ای خود را به پیش ببرد و رقابت دیرپای میان دو کشور را تشدید کند. با وجود کاهش موقتی تنش‌ها، رقابت بنیادین بین ایران و ترکیه همچنان ریشه‌دار باقی مانده؛ رقابتی که حاصل دهه‌ها جاه‌طلبی متقابل برای سلطه منطقه‌ای در عرصه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی است. جنگ اخیر، پنجره‌ای از فرصت برای ترکیه باز کرده تا اهداف راهبردی خود را به‌ویژه در حوزه‌های کلیدی مانند عراق، سوریه و قفقاز جنوبی پیش ببرد. با وجود دهه‌ها روابط تجاری نسبتاً پایدار، ترکیه (با اکثریت سنی) و ایران (با اکثریت شیعه) به‌مدت طولانی درگیر رقابت ژئوپلیتیک بوده‌اند. علی‌واظ، مدیر پروژه ایران و مشاور ارشد رئیس‌گروه بین‌المللی بحران، به المانیتور می‌گوید: «ماجرای همیشه‌دیراره این بوده که کدام کشور

مجید محمدشریفی

استادیار گروه روابط بین‌الملل
دانشگاه خوارزمی



پذیرش آتش‌بس گرچه در ظاهر به تهاجم نظامی اسرائیل و آمریکا به ایران پایان داده است اما همچنان ماهیت این ترک مخاصمه و تحولات پیش‌رو، محل پرسش و ابهام قرار دارد. برداشت‌های متفاوت و در وصفی دقیق‌تر، متضاد دو طرف منازعه از نتایج حاصل از جنگ ۱۲ روزه، طرح خواسته‌هایی مصالحه‌ناپذیر و پویایی‌های قدرت حاکم‌بر منطقه‌خاورمیانه، هر تحلیل‌گر روشن‌بین و واقع‌گرایی را بدین نتیجه‌گیری رهنمون می‌کند که آتش‌بس کنونی را نمی‌توان فرجام کار تصور کرد. بی‌تردید در زهدان این سامان شکننده و لرزان، بحرانی دیگر در آستانه زاده‌شدن است. نادیده گرفتن چنین احتمالی، جز پرده‌پنداری بر واقعیت نیست. آتش‌بیدادگر بنیاد مناسبات قدرت در خاورمیانه آنچنان مهارناپذیر جلوه می‌کند که نمی‌توان پایانی نزدیک را برای ایام فتنه‌انگیز برهه کنونی پیش‌بینی کرد. به نظر می‌رسد چشمداشت وقوع سیلی دهماد در منزلک منطقه خاورمیانه سبب‌شده تا نتوان چندان در خواب‌نوشین آتش‌بس کنونی ایمن بود.

با در نظر داشت آنچه گفته آمد، پرسش مهم این است که تعاملات ایران و غرب روی به کدامین سو دارد؟ آیا دو طرف منازعه بر سر خواسته‌های خود به توافقی دست خواهند یافت؟ آیا ترس از فرآگیرشدن جنگی بزرگ در منطقه و امکان فرورفتن خاورمیانه در لایسب آتش‌پُردود آن، دو طرف منازعه را از پیمودن مسیر بی‌مقصد کنونی باز خواهد داشت؟ آیا پیامدهای ویرانگر جنگ ۱۲ روزه، ذهن خیال‌اندیش جنگ‌طلبان را نوازش و آنان را به این نتیجه‌گیری هدایت کرده که حصول خواسته‌ها از مسیر منازعه نظامی امکان‌ناپذیر است؟ آیا پاسخ موشکی جمهوری اسلامی ایران، به‌فروکش کردن غریزه‌های دشمنی غرب‌منتهی شده است؟ یا اینکه آتش‌بس کنونی تنها میان‌برده‌ای از منازعه‌ای بزرگ است که با وقفه‌ای کوتاه، بار دیگر به صحنه خواهد آمد؟ پاسخی از سر تعمق در نیروهای پیش‌ران حاکم بر مناسبات قدرت موجود در منطقه، می‌تواند با زدودن غبار پیش‌رو در افق روابط ایران و غرب، تصمیم‌گیرندگان را برای برگزیدن انتخاب‌هایی عقلانی‌یاری‌رساند. نیل بدین مقصود نیازمند روی‌گزیدن از خیال‌اندیشی و عزل‌نظر از بنیان‌نهادن تحلیل‌ها بر شنیده‌هایی نادقیق و شواهدی لرزان و در مقابل، استوارکردن بنای اندیشه‌پر واقع‌گرایی و عقلانیت است. با در نظر داشت طریق پرفتنه و پرآشوب کنونی در منطقه، هر ارزیابی جز از مسیر عقلانیت و واقع‌بینی، سرنوشت کشور را به مفاک نابودی و ورطه‌ای هولناک هدایت خواهد کرد. آرایش نیروها در آوردگاه خاورمیانه به‌گونه‌ای است که عبور از برهه پرخطر کنونی بیش از هر زمان دیگری نیازمند فهم حقیقی و عقلانی ماهیت تحولات است. با چنین التفاتی به خطرات پیش‌رو، در این مقاله بر آنم تا آنجا که منطق بحث اقتضاء می‌کند با تکیه بر منطق مناسبات قدرت به‌عنوان یگانه نیروی هدایت‌کننده مناسبات دولت‌ها، مختصات سناریوهای پیش‌روی روابط ایران و غرب را ترسیم کنم. با عطف‌نظر به خواسته‌ها و منافع غرب و قدرت (نه حقوق بین‌الملل یا اخلاق) به‌عنوان نیروی اصلی تأمین‌کننده این خواسته‌ها در ادامه سناریوهای محتمل در روابط جمهوری اسلامی ایران و غرب در پس آتش‌بس موجود را محل بحث قرار خواهیم داد. با در نظر داشت ماهیت منازعه ایران و غرب بر سر برنامه هسته‌ای و در مجموع جهت‌گیری ایران در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل، همچنین نظر به برداشت غرب از موازنه قدرت حاصل از جنگ ۱۲ روزه، می‌توان سه سناریوی احتمالی در مواجهه با ایران را پس از آتش‌بس پیش‌بینی کرد:

سناریوی اول: تشدید فشارها به جمهوری اسلامی ایران با هدف دستیابی به یک توافق جامع: نخستین سناریوی مواجهه غرب با ایران، تشدید فشارها برای انجام یک توافق جامع است. از آنجایی که در پس حمله نظامی آمریکا و اسرائیل، موضوعات مهمی همچون سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده، توان ایران برای بازیابی توان هسته‌ای و غنی‌سازی و توان موشکی تهران همچنان محل پرسش و ابهام قرار دارند، انتظار ترامپ و حامیان او این است که اختلافات یادشده از مسیر مذاکره و توافق حل و فصل

فیدان هشدار داد: «اگر نمی‌خواهی پنجره‌ات سنگ‌باران شود، نباید پنجره کسی را سنگ بزنی.» تهران نیز در پاسخ، یادداشت اعتراضی رسمی علیه این اظهارات صادر کرد. حمله اسرائیل به ایران که در ۱۳ ژوئن آغاز شد و منجر به جنگی ۱۲ روزه شد، موضع آنکارا را تغییر داد؛ ترکیه اسرائیل را محکوم کرد و از حق ایران برای دفاع از خود حمایت به‌عمل آورد. تحلیلگران بر این باورند که شرایط تازه ایران پس از جنگ، می‌تواند فضای لازم را برای ترکیه جهت پیشبرد اهداف منطقه‌ای‌اش فراهم کند. گریگوری برو، تحلیلگر ارشد گروه اوراسیا، به المانیتور می‌گوید: «ایران باید اولویت‌های سیاست خارجی‌اش را بازتعریف کند. این کشور ناچار خواهد بود منابع بیشتری را صرف تقویت امنیت داخلی و بازسازی برنامه‌های موشکی و هسته‌ای‌اش کند.» اما این فرصت ظاهری برای آنکارا می‌تواند به احیای تنش‌های ترکیه-ایران نیز منجر شود. عراق یکی از محتمل‌ترین کانون‌های تنش در توازن جدید میان ایران و ترکیه است. هر دو کشور برای کسب نفوذ در بغداد رقابت می‌کنند، و ترکیه در دو سال گذشته، هم‌زمان با روی کار آمدن نخست‌وزیر محمدشیاع السودانی، همکاری خود را با دولت عراق عمیق‌تر کرده است. با وجود افزایش نقش ترکیه در عراق، ایران همچنان از نفوذ بالاتری برخوردار است؛ نفوذی که حاصل دو دهه روابط سیاسی نزدیک و شبکه‌ای گسترده از